



آفتاب یزد- گروه گزارش:اگرچه چین و آمریکا قرار است تا ماه اکتبر دور جدید مذاکرات تجاری دوجانبه را از سر گیرند اما شکست دور قبل مذاکرات این دو کشور نشان می‌دهد که مشکلات تجاری آنها زیاد است. از ابتدای ماه سپتامبر آمریکا روند اعمال تعرفه ۱۵ درصدی بر واردات ۳۰۰ میلیارد دلار کالا از چین را کلیدزده است و پکن هم در مقابل بر واردات ۷۵ میلیارد دلار کالا از آمریکا تعرفه بسته است. آیا ادامه این جنگ تجاری می‌تواند فرصتهایی را به ایران بدهد تا غنیمتی کسب کند؟ آیا در جنگ تجاری چین و آمریکا، اقتصاد ایران نیز متأثر خواهد بود؟

کارشناسان دو نگاه دارند: گروهی معتقدند با توجه به نقش کم اقتصاد ایران در روابط تجاری بین‌المللی، سهم ایران از این مجادله ناچیز است. اما گروهی دیگر تاکید می‌کنند با توجه به سهم بالای روابط تجاری ایران با چین و مناقشات سیاسی با آمریکا، اقتصاد ایران از این منازعه متأثر می‌شود.

آیا آثار این منازعه به اقتصاد ایران منفی است یا می‌تواند غنیمت‌هایی نیز به دنبال داشته باشد؟ از دیدگاه کارشناسان سه کانال می‌تواند اقتصاد کشور را تحت تاثیر قرار دهد: نخست اثر افت یوان در معاملات تجاری که می‌تواند بر ارزان تر شدن واردات از چین و کاهش ارزش دارایی خارجی ایران اثر گذار باشد. کانال دوم رکود اقتصادی چیزی است که می‌تواند موجب کاهش تقاضای انرژی از ایران شود. اقتصاد ایران از این چنین کانال‌ها طبیعتا تاثیر می‌گیرد. همچنین چین با توجه به ممنوعیت واردات محصولات کشاورزی از آمریکا، به دنبال تأمین نیاز از دیگر عرضه‌کنندگان است. با توجه به حجم تقاضای چین اثر این چرخش نیز بر اقتصاد ایران مثبت ارزیابی نمی‌شود. اما جنگ تجاری فرصتهایی نیز برای اقتصاد ایران به همراه دارد. شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و جذب چینی‌ها به خصوص در حوزه‌های نفتی و همکاری با صنایع دچار محدودیت در آمریکا می‌تواند غنایم ایران از این جنگ باشد.

■ اثر جنگ تجاری بر ایران

جنگ تجاری میان دو قدرت اول اقتصاد دنیا، یعنی آمریکا و چین، به مهم‌ترین موضوع اقتصاد جهانی تبدیل شده است. سایه جنگ تجاری میان آمریکا و چین، بر سر بسیاری از اقتصاد‌های بزرگ و کوچک دنیا سایه افکند و این موضوع باعث شده بسیاری از کارشناسان، تحلیل‌هایی درباره هر جنگ تجاری بر هر یک از مناطق اقتصادی دنیا ارائه کنند. سوال مهم این است که این جنگ تجاری تا چه حد می‌تواند اقتصاد ایران را تحت‌تاثیر قرار دهد؟ اقتصادی که به‌دلیل تحریم‌های اقتصادی از یکسو کمرترین تعاملات را با یک طرف دعوا یعنی آمریکا دارد، اما از سوی دیگر، به‌دلیل وابستگی انرژی چین به ایران و رقم بالای حجم تجارت ایران با چین، اثرپذیری اقتصاد ایران از این تنش تجاری در برخی موارد قابل توجه خواهد بود. بنابراین به نظر می‌رسد پس‌لرزه‌های این جنگ در اقتصاد ایران نیز مشاهده خواهد شد و می‌توان با بهره‌گیری از استراتژی بهینه، از این جنگ تجاری، غنایمی را کسب کرد.

امروزه توجه خارجی یکی از مهمترین عوامل در توسعه اقتصادی کشورها به شمار می‌رود، به طوری که اقتصادهای پیشرفته توجه زیادی به درجه باز بودن اقتصادشان دارند. ایران نیز در دهه‌های اخیر اقدامات زیادی را در جهت گسترش روابط تجاری خود با سایر کشورهای انجام داده و سعی در جذب سرمایه‌های خارجی داشته است.

در سالهای اخیر با تشدید تحریمهای غرب علیه ایران و خروج شرکت‌های غربی از ایران و کاهش مبادلات تجاری با شرکای تجاری، ضرورت جایگزینی شرکای تجاری غربی با سایر کشورهای قدرتمند روشن شد. در این میان فرصت برای کشورهایی مانند چین فراهم شد تا حضور خود را در ایران پررنگ تر کند تا حجم تجارت با این قدرت اقتصادی بزرگ افزایش یابد. به طوری که در سالهای اخیر کشور چین به اصلی ترین شریک تجاری ایران تبدیل شده است.

چین هم درگیر جنگ اقتصادی با آمریکا شده است و کج خلقی‌های ترامپ در روابط با چین باعث شده که صادرات دومین اقتصاد بزرگ جهان در آخرین ماه سال ۲۰۱۸ میلادی به کمترین رقم در دو سال اخیر برسد و واردات این کشور هم روند نزولی داشته باشد. هر چند که صادرات چین در ماه دسامبر سال ۲۰۱۸ میلادی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۴۴ درصد روند کاهشی داشته اما در چند ماه منتهی به آخرین ماه سال گذشته میلادی شرایط برای چین آفندرها هم ناساعد نبوده است و علی رغم محدودیت‌هایی که از سوی آمریکا اعمال شد توانست از افت شدید آمار و ارقام جلوبگری کند.



■ دو نگاه به اثر جنگ تجاری

درباره اثر گذاری جنگ تجاری ایران و آمریکا دو نگاه متفاوت وجود دارد. برخی معتقدند با توجه به حجم پایین اقتصاد ایران در نقل‌وانتقالات بین‌المللی، این جنگ تجاری از لحاظ اقتصادی نمی‌تواند بر اقتصاد کشور اثر قابل‌توجهی داشته باشد، اگر چه شاید تنش‌های سیاسی میان دو ابرقدرت دنیا، باعث شود که از شدت فشارهای سیاسی و تحریمی بر اقتصاد کشور کاسته شود و زمین جدیدی را برای بازی ایران تعریف کند. برخی دیگر معتقدند اقتصاد ایران نیز با توجه به ظرفیت خود می‌تواند در این جنگ تجاری، وضعیتی را تعریف کند، در نتیجه فعل‌و‌انفعالات اقتصادی بر اقتصاد کشور نیز اثر گذار است. اما این اثر گذاری از چه مسیریایی می‌تواند اتفاق بیفتد و این مسیرها تا چه میزان در اقتصاد کشور موثر خواهد بود. به‌نظر می‌رسد کانال اثر گذاری می‌تواند از سه طریق ایجاد شود.

■ اثر تضعیف یوان

اسلحه چین در جنگ تجاری تضعیف ارزش یوان در مقابل دلار است. این موضوع باعث شده که نسبت برابری دلار به یوان از مرز روانی ۷ بیشتر شود. در نتیجه پول ملی چین کاهش ارزش داشته تا صادرات آن کشور ارزان‌تر از قبل شود. این موضوع می‌تواند بر هزینه تمام‌شده واردات ایران نیز تاثیر بگذارد و اندکی این واردات را ارزان‌تر از قبل کند. چذاب‌سازی واردات از چین: کاهش هزینه واردات، باعث خواهد شد که تمایل به واردات کالای چینی بیشتر از گذشته شود. بنابراین افزایش میزان واردات و ارزان تر شدن آن از مبدج چین، می‌تواند به‌عنوان یک اثر مثبت بر محصولات مبادلات غیرنفتی مطرح شود. می‌توان پیش‌بینی کرد که در ماه‌های آتی، میزان واردات ایران از چین رشد کند.

اثر ارزی بر ایران: علاوه بر این، تضعیف ارزی یوان می‌تواند بر روابط تجاری نفتی ایران و چین نیز اثر گذار باشد. نکته مهم قراردادهای نفتی ایران و چین است که اگر این قراردادهای براساس پول ملی چین منعقد شده باشد، می‌تواند منجر به کاهش درآمدهای ارزی کشور شود، اما اگر تضعیف

پول چینی، در این قراردادهای اثر گذار نباشد نوع قراردادهای براسا ارز دیگری باشند، این روند نمی‌تواند بر حجم درآمدهای ارزی موثر باشد. از سوی دیگر، به‌دلیل اینکه برخی از دارایی‌های خارجی ایران از یوان تشکیل می‌شود، این موضوع می‌تواند بر کاهش ارزش دارایی اثر بگذارد و نیاز است با توجه به تداوم جنگ تجاری، یک تغییر سیاست در بحث دارایی‌ها صورت گیرد.

■ اثر رکودی در اقتصاد

یکی از پیامدهای جنگ تجاری که کارشناسان به آن اشاره می‌کنند، اثر رکودی جنگ تجاری دیگر در اقتصادهای دو کشور و حتی کشورهای دیگر است. اعمال تعرفه‌ها و اختلال در رفت‌وآمدهای تجاری، چشمانداز رشد اقتصادی دنیا را کاهشی می‌کند. در نتیجه این کاهش رشد اقتصادی می‌تواند بسیاری از اقتصادها را به فاز رکودی بکشاند.

کاهش واردات انرژی: اگر رشد اقتصادی چین، به‌عنوان دومین اقتصاد برتر جهان کند شود، این موضوع در تجارت اقتصادی ایران و سایر کشورهای طرف تجاری ایران نیز اثر گذار خواهد شد. همچنین بسته به میزان جنگ تجاری این موضوع می‌تواند بحث واردات انرژی از کشور را تحت‌تاثیر قرار دهد. چین یکی از کشورهای است که در زمان تحریم نیز به واردات از ایران ادامه داده است، اما اگر رشد اقتصادی این کشور کند شود، در نتیجه تمایل به واردات انرژی نیز کمتر خواهد شد.

اگرچه اثر رکودی چین باعث کاهش واردات انرژی و مواد اولیه از ایران خواهد شد، اما می‌تواند این فرصت را ایجاد کند که ایران کمتر بر سیاست خام‌فروشی تمرکز کند و با تسهیل شرایط کسب‌وکار، توسعه فناوری و توجه به بخش خصوصی، به‌جای صادرات مواد اولیه به چین و واردات کالای نپایی، این حلقه را در داخل کشور ایجاد کند.

■ اثرگذاری بر محصولات کشاورزی

آمارها نشان می‌دهد بخش قابل‌توجهی از صادرات آمریکا به چین، محصولات کشاورزی است. این رقم به حدود ۱۲۰ میلیارد دلار می‌رسد، بنابراین اعمال تعرفه‌ای با منع واردات باعث می‌شود چین به‌دنبال دیگر بازارها برای تأمین محصولات کشاورزی خود باشد.

مداخله در بازار وارداتی ایران: به‌طور سنتی ایران برای تأمین محصولات کشاورزی خود از جمله‌ناده‌های دامی، برنج و دیگر محصولات خود به بازارهای کشورهایی چون برزیل و هند وابسته است. درصورتی که چین به‌دنبال جایگزینی می‌تواند باعث شود که با تهدیدها به کشاورهای طرف معامله با ایران مراجعه



می‌کند و در صورت ارائه پیشنهادهای مناسب می‌تواند در روابط تجاری کشاورزی میان ایران و سایر کشورها اختلال ایجاد کند. در نتیجه این موضوع باعث می‌شود که ایران به‌دنبال مبادی تجاری جدیدی برای واردات نهاده‌های دامی باشد و حتی شاید این موضوع بر قیمت واردات محصولات کشاورزی ایران اثر بگذارد. در این حال در پی اعلام دولت چین برای قطع واردات محصولات کشاورزی از آمریکا روسیه بازارهای جدیدی در به روی چین گشوده و چین هم قبول کرده است.به گزارش راشاتودی، مکسیم اورشکین وزیر توسعه اقتصادی روسیه اعلام کرد: چین می‌تواند در غیاب محصولات وارداتی آمریکا محصولات مورد نیاز خود را از روسیه تأمین کند.

بر اساس اعلام وزیر توسعه اقتصادی روسیه پکن همواره روسیه را یک شریک قابل اعتماد می‌داند و حجم مبادلات تجاری دو کشور نسبت به سال گذشته افزایش یافته و رکورد ۱۰۸ میلیارد دلار را ثبت کرده است.این در حالی است که یک واشنگتن به دلیل افزایش تنش‌های تجاری میان مبادلات‌شان کاهش یافته و این می‌تواند روابط تجاری چین و روسیه را بیشتر کند.روسیه و چین هدف گذاری کرده‌اند که میزان مبادلات خودشان را به زودی دو برابر کرده و به ۲۰۰ میلیارد دلار برسانند.

اورشکین اعلام کرد همه محصولاتی را که پیش از این چین از آمریکا وارد می‌کرد ما در حال مذاکره هستیم تا آنها را به بازارهای روسیه وصل کنیم.پس از آنکه ترامپ رئیس جمهور آمریکا تهدید کرد که به باقیمانده محصولات وارداتی چین از آمریکا تعرفه اعمال خواهد کرد دولت چین دستور داد تا واردات محصولات کشاورزی از آمریکا قطع شود.این اقدام از سوی بسیاری تحلیل شده که می‌تواند به کشاورزان این کشور و همچنین انتخابات آینده ترامپ تهدید جدی باشد.

پیش از این پوتین رئیس‌جمهور روسیه اعلام کرده بود که روسیه و چین در بهترین شرایط تجاری و بیمان‌های اقتصادی هستند.در ماه جولای وزیر بازرگانی چین اعلام کرد که با همتای روسی خود درباره تقویت تجارت دوجانبه بحث و گفت‌وگو کرده است.

این بحث‌ها به ویژه در زمینه افزایش واردات سویا از روسیه و دیگر محصولات کشاورزی بوده که پکن در تلاش است تا مسیرهای وارداتی خود را متنوع‌تر کند.اواخر این ماه پکن برای خرید سویا از همه مناطق روسیه چراغ سبز نشان داد.

برنامهریزی صادرات به چین: به نظر می‌رسد که با تداوم جنگ تجاری و ایجاد تعرفه برای تجارت چین و آمریکا، توجه به واردات محصولات کشاورزی از سایر کشورها بیشتر می‌شود. اقتصاد ایران با توجه به ظرفیت خود می‌تواند به نوعی برنامه‌ریزی کند که برخی از این محصولات کشاورزی را که توانایی تولید آن را دارد، به چین صادر کند. البته این موضوع نیز نیاز به سرمایه‌گذاری دارد که می‌توان با یک قرارداد در طرفه، این سرمایه‌گذاری را از بلندمدت کسب کرد.

■ هم فرصت است هم تهدید

با توجه به این موضوع بروز جنگ تجاری می‌تواند هم فرصت و هم تهدید را برای اقتصاد ایران به‌وجود آورد. به همین دلیل سیاست‌گذاری و رفتار مناسب می‌تواند باعث شود که با تهدیدها مقابله و از فرصت‌ها نیز استفاده شود. در

ادامه جنگ تجاری چین و آمریکا

استراتژی مناسب ایران برای کسب غنیمت چیست؟



جنگ تجاری میان دو قدرت اول اقتصاد دنیا، یعنی آمریکا و چین، به مهم‌ترین موضوع اقتصاد جهانی تبدیل شده است. سایه جنگ تجاری میان آمریکا و چین، بر سر بسیاری از اقتصادهای بزرگ و کوچک دنیا سایه افکند و این موضوع باعث شده بسیاری از کارشناسان، تحلیل‌هایی درباره هر یک از مناطق اقتصادی دنیا ارائه کنند. سوال مهم این است که این جنگ تجاری تا چه حد می‌تواند اقتصاد ایران را تحت‌تاثیر قرار دهد؟

وله اول در کوتاه‌مدت نیاز است که نهادهای پژوهشی کشور، فرصت‌ها و تهدیدهای جنگ تجاری را شناسایی کنند و متناسب با آن برنامه و استراتژی لازم ایران را مشخص کنند. شاید این موضوع مطرح شود که جنگ تجاری چین و آمریکا به‌دلیل رویکردهای ترامپ آغاز شده و ممکن است که در دوره پساترامپ این موضوع حل شود. اما بررسی سند امنیت ملی آمریکا در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که این کشور چین را به‌عنوان چالش‌سی، علیه قدرت، نفوذ و منافع واشنگتن می‌داند.

در این سند، چین به همراه روسیه، قدرت‌هایی توصیف شده‌اند که به‌دنبال تغییر جهان براساس آرمان‌های خود هستند و این کشورها را دو قدرت مقتدر توصیف کرده که ممکن است موقعیت آمریکا را به خطر بیندازند. طبیعی است که با توجه به قدرت اقتصاد رو به رشد چین، یکی از راهکارهای آمریکا، ایجاد اختلال در مسیر اقتصادی چین است. در نهایت حتی پس از ترامپ نیز نمی‌توان انتظار داشت که این جنگ تجاری تمام شود و این احتمال وجود دارد که این جنگ در زمینه‌های دیگر نیز تداوم داشته باشد.

در بلندمدت نیز اقتصاد ایران باید زمینه نزدیکی خود را با اقتصاد چین با توجه به مشترکات خود فراهم کند. درحال‌حاضر با توجه به تحولات صورت‌گرفته انرژی شرق آسیا، چین توجه ویژه‌ای به انتقال انرژی از خاورمیانه دارد. این موضوع می‌تواند زمینه همکاری اقتصادی ایران و چین را حتی در شرایط تحریم‌ها نیز به‌وجود آورد. اگرچه حجم تجارت چین و آمریکا با تجارت خارجی ایران قابل مقایسه نیست، اما تشدید این جنگ می‌تواند باعث شود که چین به‌دنبال تشدید سرمایه‌گذاری در اقتصادهای حال توسعه باشد. به‌عنوان مثال در هفت‌های اخیر قیمت تیرجه به میزان ۱۶ میلیارد دلار در صنعت نفت بخره سرمایه‌گذاری کرده است. در واقع جنگ تجاری باعث می‌شود که دست سیاست‌گذاران چینی برای حرکت به سمت ایران بازر از گذشته شود.

■ افزایش ۲/۴ درصدی تجارت ایران و چین

همچنین طی ۵ سال اخیر میزان سرمایه‌گذاری خارجی چین در مسیر کشورها رقمی بیشتر از ۱۱۱۵ میلیارد دلار بوده است. حجم تجارت ایران و چین در نیمه نخست سال ۲۰۱۸ به ۱۹ میلیارد و ۶۶۰ میلیون دلار رسید که نسبت به پارسال ۲،۲ درصد افزایش نشان می‌دهد. هتمت شهرپورماه امسال هم سفیر چین در تهران، اعلام کرد که حجم روابط تجاری دو کشور در نیمه

اول سال ۲۰۱۸ به ۶۶۰میلیون دلار رسیده است. وزیر امور خارجه کشورمان هم اخیرا اعلام کرد که چین مهم ترین طرف تجاری ایران است و کشور افزایش چین در ماه‌های گذشته، ویژگی ورود چینی‌ها به ایران برداشته شده که این گام می‌تواند زمینه حضور فعالان اقتصادی ایران کشور را فراهم کند. بنابراین در سال‌های گذشته به‌دلیل حجم بالای صادرات چین، منابع قابل‌توجه ارزی در اختیار این کشور

قرار گرفته که در بسیاری از کشورها این مبالغ سرمایه‌گذاری شده است، از سوی دیگر در سایه تشدید تحریم‌های آمریکا، ایران به شدت نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. این دو نکته پازل در صورت سیاست‌گذاری مناسب می‌تواند به هم متصل شود و پس از اتصال انرژی ایران به بنادر چین، زمینه اتصال سرمایه چینی به اقتصاد ایران را فراهم کند. البته با وجود



تحریم‌های تخریب‌کننده آمریکا متقاعد کردن سرمایه‌گذاران چینی برای کار در ایران دشوار خواهد بود و نیاز است که در این خصوص سیاست‌های تسهیل‌کننده به کار گرفته شود. از سوی دیگر، افت ارزش یوان باعث می‌شود که تمایل برای واردات کالای چینی به ایران افزایش یابد. این موضوع اگرچه می‌تواند روی سطح عمومی قیمت‌ها اثر کنترلی داشته باشد، اما رقیبی برای تولیدکننده داخلی خواهد شد، زیرا عمده کالاها از چین به‌عنوان محصول نهایی وارد می‌شود و افزایش این نوع واردات باعث ایجاد ارزش افزوده در اقتصاد کشور نخواهد شد. نکته مهم دیگر این است که افزایش شکاف میان دو قدرت اصلی اقتصادی جهان اگر چه می‌تواند بر بسیاری از کشورها اثر منفی بگذارد، اما با توجه به شرایط تحریمی اقتصاد کشور، می‌تواند فرصت مناسبی را برای افزایش تبادلات تجاری اقتصاد ایران با چین و حتی کشورهای دیگر فراهم کند.

■ چینی‌ها جایگزین تجارت عراقی‌ها شدند

یک مقام مسئول با اشاره به تبدیل چین به عنوان شریک اول تجاری ایران گفت: عدم پذیرش صادرات ریلی به عراق،افزایش هزینه نقل و انتقال پول، کاهش سختگیری چین در تجارت با ایران عامل این جایگزینی بود.

محمد لاهوتی با اشاره به قرار گرفتن نام کشور چین به عنوان اولین شریک تجاری ایران در ۵ ماهه ابتدای سال جاری و رفتن عراق به رتبه پس از این کشور گفت: به طور سنتی طی چند سال اخیر، بازار عراق، افغانستان و کشورهای CIS از جمله شرکای اصلی تجاری ایران قرار گرفته‌اند و صورت به این کشورها رونق گرفته که در همین اساس، طی سنوات گذشته همواره روند به چین صورت بوده که خریدار وجه را پرداخت کرده و کالای خریداری شده را تحویل گرفته است؛ اما اکنون با توجه به ضرورت برگشت ارز حاصل از صادرات و الزام صادرکنندگان به بازگشت ارز صادراتی به چرخه اقتصادی کشور، این روند اندکی متفاوت شده است.

وی ادامه داد: عاملی که در آمارهای تجارت خارجی ۹۸ ماهه ۹۸ جلب توجه می‌کند، نزول امارات از رده دوم بازارهای هدف صادراتی در رتبه چهارم است؛ در حالی که با توجه به اینکه امارات شریک اصلی تجارت ایران بوده است، این کاهش رتبه موضوع مهمی است؛ البته پیش‌بینی می‌شد که به دلیل مناسبات سیاسی با این کشور، موضوعاتی که در عرصه بین‌المللی وجود دارد و سخت‌گیری‌هایی که امارات طی یکسال و نیم گذشته نسبت به فعالیت ایرانی‌ها کرده، حجم روابط تجاری کاهش یابد؛ ولی واقعیت آن است که ظرف ماه‌های گذشته، چین سختگیری‌های خود را نسبت به تجارت با ایران کمتر کرده و مقداری روند تبادلات تجاری دو کشور، تسهیل شده و این دلیل افزایش صادرات به چین است.

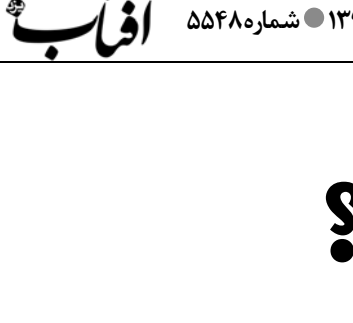
■ چینی‌ها کالای های تک می‌خواهند

مسعود دانشمند رئیس خانه اقتصاد ایران در گفت وگو با آفتاب یزد نیز در این زمینه گفت: در روابط تجاری با چین ایران اگر بتواند آن چیزی را که آمریکایی‌ها به چین صادر می‌کردند یا مشابه آنها را داشته باشیم، می‌توانیم در خلأ نبود آمریکا تا حدی این شانس را داشته باشیم

که مقداری از بازار آمریکا را در چین بگیریم، اما اگر بخواهیم کالاهای معمولی یا مواد معدنی را از چین صادر کنیم، به چین بدیم قطعا این شانس را نخواهیم داشت. وی ادامه داد: چینی‌ها کالاهای های تک" نیازمند هستند و نمی‌توانند بسازند که این نیازشان را آمریکا تأمین می‌کند بنابراین ما باید ببینیم می‌توانیم کالای "های تک" بسازیم که قطعا نمی‌توانیم.ما همواره مواد اولیه نفت به چین صادر می‌کردیم که آمریکاهم بخشی از نفت چین را تأمین می‌کرد و در حال حاضر چینی‌ها نقشان را از عربستان تأمین می‌کنند. وی گفت: مگر این که فرمول دیگری پیدا کنیم برای ارتباط با چین جای آمریکا را با این فرمول بگیریم.چینی‌ها نیازمند کالاهای با تکنولوژی بالا هستند و طبیعی است که ما این کالاها را نداریم.

عضو سابق اتاق بازرگانی ایران گفت: درباره امتیاز توسعه روابط اقتصادی ایران با چین اظهار داشت: واقعیت این است که هر کشوری به دنبال نهایت استفاده از قراردادهای و همکاری‌ها برای منافع خودش است و درباره چین هم این کشور قلاب انداخته است تا بیشترین منافع را کسب کند بنابراین تمام مذاکراتمان با چین باید بر پایه برد- برد باشد.

وی با اشاره به منافع چین در تجارت با آمریکا و مقایسه آن با ایران گفت: تجارت چین و آمریکا چیزی حدود ۵۰۰ میلیارد دلار است حال آنکه حداکثر میزان تجارت ایران و چین به ۲۵ میلیارد دلار می‌رسد. بدیهی است که در این شرایط چین ریسک از دست دادن تجارت ۵۰۰ میلیارد دلار را آمریکا را نمی‌پذیرد و برای چینی‌ها همکاری با آمریکا بسیار سرمایه چینی جذب تر از همکاری با ایران است. بنابراین به



مذاکرات با چینی‌ها باید از ابعاد مختلفی نگاه کنیم و تمام جنبه‌های آن را بسنجیم. چینی‌ها در شرایطی قرار دارند که می‌توانند از ایران نفت مورد نیاز خود را خریداری و به جای پرداخت پول کالاهای خود را به ایران ارسال کنند. وی تاکید کرد: هیچ کشوری مستثنی از این قاعده نیست و در تمام کشورها تجارت از بحث سیاست تفکیک شده است اما در ایران تجارت ابزاری برای سیاست محسوب می‌شود. این در حالی است که در دنیا از سیاست برای بهبود اقتصاد استفاده می‌کنند.

■ باید سیاست بلندمدتی را

در قبال چین در نظر بگیریم

همچنین معاون سابق وزیر جنگ نیز گفت: در حال حاضر جهان شاهد جنگ تجاری بین چین و آمریکا به عنوان ۲ قدرت اقتصادی است که می‌تواند برای ایران فرصتهایی را ایجاد کند. ابراهیم رحیم پور معاون سابق آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه در خصوص لزوم اهمیت ارتباط هر چه گسترده تر ایران با چین به عنوان بازیگری توانمند در ابعاد سیاسی و اقتصادی در سطح جهانی اظهار داشت: برنامه ارتباط و همکاری‌های مستمر میان ایران با کشوری مثل چین که در ابعاد مختلف اقتصادی و سیاسی از وزن و جایگاه بالایی برخوردار است باید از سوی هر دو طرف و به شکل بلند مدت تدوین شود.

وی گفت: چین با کشورهای مختلف جهان روابط خوب تجاری و سطح بالایی را برقرار کرده و اخیرا هم در کشورهای آفریقایی سرمایه‌گذاری‌های خوبی را انجام داده و سطح روابط خود را با آفریقا ارتقا بخشیده. یعنی سیاست‌های اقتصادی این کشور در سطح جهان تاکنون موفق بوده و این امری قابل تحسین است و ما هم باید از این موضوع در راستای تأمین منافع ملی خود بهره مند شویم.

رحیم پور با بیان اینکه رشد شاخص‌های اقتصادی چین بسیار بالاست و سطح رفاه زندگی مردم آن کشور هم رشد قابل توجهی را داشته است، تصریح کرد: چین کشوری است که زیر بلیت قدرت‌های دیگر از جمله آمریکا نرفته چرا که به اندازه کافی از مولفه‌های قدرت از جمله توان بالای اقتصاد بهره مند است.

معاون سابق آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه بیان کرده، به نظر من تا پیش از سال ۲۰۲۰ چین از آمریکا در حوزه اقتصادی هم پیش خواهد گرفت و به عنوان اقتصاد برتر جهان شناخته خواهد شد. وی با اشاره به اینکه چین در سال‌های اخیر به عنوان شریک اول تجاری ایران به حساب می‌آید، افزود، ما نباید اینطور فکر کنیم که با اعزام سفیر و یا عدم اعزام وی به آن کشور اتفاق خاصی در روابط میان ایران و چین رخ خواهد داد، اما به هر حال شاهد هستیم که به تازگی سفیر جمهوری اسلامی ایران اعزام چین شده و امیدواریم بتواند در انجام مأموریت‌های خود در آن کشور موفق باشد.

رحیم پور گفت: در روابط میان ایران و کشورهای دیگر، اصل مرکز است یعنی تهران و این مرکز هست که باید به کلیه پیامهای ارسالی از سوی سفارت خانه‌ها و توصیه‌های آنها توجه لازم را برای اتخاذ سیاست‌های مناسب در رابطه با کشورها داشته باشد. در این میان سفرها هم حد توان و جایگاه خود می‌توانند در افزایش و یا کاهش مرادودات دو طرف نقش آفرینی داشته باشند.

معاون سابق وزیر امور خارجه با بیان این مطلب که باید سیاست اصولی و بلندمدتی را در قبال چین در نظر بگیریم تا آنها تصور نکنند به هنگام سختی و مشکلات به سراغ آنها می‌رویم، اظهار داشت: متأسفانه این یک باور است که در چین و برخی دیگر از کشورها در مورد ایران شکل گرفته که ما در زمان تحریم‌ها و مشکلات به سمت آنها می‌رویم و در دوران فراغت با غرب ارتباط داریم، بنابراین باید با برنامه اصولی و فعالیت مستمر این تصور را از میان برداشته و ثابت کنیم که چنین تصویری از ایران اشتباه است.

وی بیان کرد: چین و روسیه به عنوان دو کشور مهم و تاثیرگذار در سطح بین‌المللی هستند که ما باید با آنها نه تنها در شرایط فعلی، بلکه در دوران فراغت و آسودگی هم ارتباطات گسترده و خوبی را داشته باشیم. امروز چین و آمریکا چالش‌های مختلفی را با یکدیگر دارند، به خصوص در حوزه تجارت و اقتصاد جنگ تجاری بین این دو کشور و قدرتی اقتصادی در جهان هستیم که این می‌تواند برای ما فرصتهایی را ایجاد کند.

رحیم پور با اشاره به این که چین به نقش و جایگاه مهم ایران در منطقه واقف است و اهمیت ارتباط با ایران را در برهه فعلی می‌داند؛ خاطر‌نشان کرد: این نکته را باید لحاظ کنیم که این چین هم مانند بسیاری دیگر از کشورها نمی‌خواهد ارتباط خود با آمریکا را برای ارتباط با کشور دیگری به خطر اندازد یا آنکه دولت آمریکا را از خود عصبانی کند اما به موازات این ملاحظات، آنها در محاسبات سیاست خارجی خود جایگاه مناسبی را هم برای ایران لحاظ کردند.